

به نام خدا

درباره قانون برنامه توسعه ۲.مالزی

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۷.....	۱. فلسفه برنامه ریزی توسعه در مالزی
۷.....	۲. مشارکت بخش خصوصی و دولتی در توسعه
۱۱.....	۳. سازوکار برنامه ریزی
۲۰.....	۴. اجرای پروژه‌ها و نظارت بر آنها
۲۸.....	۵. جایگاه برنامه توسعه در قانون اساسی مالزی
۳۰.....	نتیجه‌گیری: الگوی مطلوب تدوین برنامه توسعه
۳۲.....	منابع و مآخذ

کد موضوعی: ۲۴۰

شماره مسلسل: ۹۶۷۲

ار دیهشت ماه ۱۳۸۸

دفتر: مطالعات حقوقی



درباره قانون برنامه توسعه ۲. مالزی

چکیده

از سال ۱۹۵۰ تاکنون، ۲۳ سند برنامه‌ریزی توسعه با عنوان‌های مختلف در مالزی تهیه و تصویب شده است. تعیین جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی توسط دولت در برنامه‌های مذکور از رویکردهای اصلی برنامه‌های توسعه در مالزی است. برنامه‌ریزی توسعه در این کشور، سه افق برنامه‌ریزی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت را در برمی‌گیرد. بالاترین مقام مسئول در این کشور راجع به تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌های عمومی دولتی در بخش اقتصادی، «شورای برنامه‌ریزی ملی» است که در واقع کمیته اقتصادی کابینه محسوب می‌شود. دیگر نکته مهم، مشارکت بخش خصوصی در فرایند برنامه‌ریزی مالزی است که می‌تواند به‌عنوان تجربه موفق مورد توجه قرار گیرد.

مقدمه

برنامه‌ریزی اقتصادی^۱ یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت اقتصادی کشورهاست. استفاده از این ابزار در کشورهایی که در حال بحران، عدم تعادل در عرضه و تقاضا، کسری منابع و یا عبور از مراحل توسعه هستند، اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابد.^۲ از نظر تاریخی، ایده برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی دولت، در انتقاد به نظام سرمایه‌داری شکل گرفته است. شکل‌گیری برنامه‌ریزی اقتصادی و تدوین برنامه‌های متمرکز توسعه اقتصادی به‌صورت تدریجی - و نه مطابق با برنامه از پیش تعیین شده - در اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفت. تصمیم سال ۱۹۲۷ شوروی مبنی بر صنعتی شدن سریع و در مقیاس کلان نیازمند تمرکز نهاد کنترل و نظارت در حکومت بود که می‌توانست وظیفه هماهنگی منابع تولید را در کشور به‌عهده گیرد. از سوی دیگر، در کشورهای اروپای غربی، تدوین برنامه توسعه طبق ساختارهای اقتصادی متفاوت موجود در کشورها انجام شد؛ به دیگر سخن، تدوین برنامه توسعه در این کشورها، امری پویا و در ارتباط نزدیک با ساختار اقتصادی کشورها، طبقه مدیران تجاری و آزادی اقتصادی و سیاسی بود. در نهایت امر، به‌رغم اینکه تدوین برنامه توسعه خبر از افزایش مسئولیت اقتصادی دولت و فعالیت‌های وی در اقتصاد داشت، اما قسمت عمده رشد اقتصادی در کشورهای غربی در دست بخش خصوصی باقی ماند. در واقع در کشورهای اروپای غربی، دولت به‌ندرت به‌صورت

1. Economic Planning

۲. حسن، مقیمی اسفندآبادی، «بررسی تطبیقی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های تعدیل اقتصادی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۲.

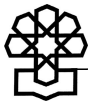




مستقیم در امور مؤسسات خصوصی دخالت می‌کرد و برنامه‌ریزی اقتصادی، غیرمستقیم و در چارچوب نوعی از همکاری بین بخش خصوصی و دولتی باقی ماند؛ تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، آزاد بودند که فعالیت‌های خود را با تغییرات شرایط بازار و قیمت‌ها هماهنگ کنند. در همین راستا در دهه ۱۹۸۰، تمایل قوی نسبت به خصوصی‌سازی (فروش دارایی‌های دولت به عموم) ایجاد شد تا میزان دخالت دولت در اقتصاد و مقررات‌گذاری در بخش‌های خاص مانند حمل‌ونقل کاهش یابد.

امر دیگری که بالاخص پس از دهه ۱۹۷۰ در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته قابل مشاهده است، این است که این برنامه‌ها نسبت به سال‌های گذشته بسیار منعطف‌تر شدند. اساساً دولت‌ها فقط در زمینه‌هایی که اشراف کامل بر جریان امور داشتند برنامه جامع طراحی می‌کردند، زیرا برنامه‌ریزی جامع تجربه ناموفقی بوده و در بسیاری اوقات تحقق نیافته است. ژاپن یکی از این کشورهاست که هیچ‌گاه اهداف توسعه خود را به صورت جزئی در برنامه‌های چند ساله خود معین نکرده است. به نظر می‌رسد که این امر باعث می‌شود که رقابت در بخش خصوصی افزایش یابد و بخش خصوصی و اقتصاد شکوفا شود.

برنامه پنج‌ساله توسعه بیش از همه در کشورهای در حال توسعه و بالاخص در کشورهای اروپای شرقی و کشورهایی که از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفته‌اند به چشم می‌خورد. چین، یوگسلاوی، هند، مالزی، پاکستان، نپال، آلمان غربی، رومانی، کره جنوبی، ویتنام، آرژانتین، عربستان سعودی، ایران، عمان، تایوان، کامرون و مجارستان کشورهایی هستند که سابقه برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی در آنها مشاهده می‌شود.



همچنین به نظر می‌رسد که در جریان تدوین برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی همواره باید چند اصل مدنظر قرار گیرد:

۱. اصل حفظ و حراست از انگیزه خصوصی و قدرت خلاقیت نوآوران جامعه،
۲. اصل پایداری حرکت توسعه‌ای،
۳. اصل عدم امکان تهیه برنامه جامع و ضرورت تدوین برنامه هسته‌های خط‌دهنده،
۴. اصل ضرورت برنامه‌های اجرایی در برنامه توسعه،
۵. اصل ضرورت استفاده واقعی و مؤثر از اندیشمندان جامعه در تهیه برنامه‌های توسعه متکی بر هسته‌های خط‌دهنده،
۶. اصل ضرورت برنامه‌ریزی تفصیلی برنامه‌های اجرایی،
۷. اصل ضرورت وجود تشکیلات متناسب با مدیریت امور جامعه،
۸. اصل ضرورت دور کردن امور توسعه از نوسانات ناگهانی اقتصادی - اجتماعی کشور،

۹. اصل ضرورت در اختیار داشتن تصویرهای کلان به‌منظور اتخان خط‌مشی‌های استراتژیک.^۱

با توجه به اصول بالا هر برنامه توسعه باید دربردارنده چهار بخش باشد: چشم‌انداز ده یا بیست‌ساله، تصویر کلان و خط‌مشی‌های استراتژیک برنامه پنج‌ساله، برنامه‌های اجرایی و مدیریت امور عمران و توسعه.

۱. حسین، عظیمی، مسیر تهیه برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۴، در وب سایت دکتر عظیمی آرانی، تاریخ مشاهده: ۱۳۸۷/۱۱/۱۷



در این راستا از نظر اندیشمندان این حوزه، دو بخش اول مذکور فقط جنبه اطلاعاتی و هدایتی و هماهنگ‌کننده را دارد و نباید به صورت قانون مصوب مجلس در بیاید، هر چند تفاهم در این زمینه در مراجع اصلی تصمیم‌گیری بسیار مهم است. بخش‌های سوم و چهارم باید به طور تفصیلی و براساس ضرورت برنامه تبدیل به قانون شوند. هیچ برنامه توسعه‌ای بدون پروژه‌های مشخص در بطن برنامه‌های اجرایی قابلیت اجرایی لازم را ندارد. در شرایط نبود این بخش در برنامه توسعه، برنامه مزبور تبدیل به تصویرهای کلی (هر چند خوب و مطلوب)، ولی غیراجرایی می‌شود.^۱ یکی از مسائلی که در زمینه برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی مطرح شده، نقش توجه به نظریه‌های اقتصادی در توفیق تدوین برنامه توسعه اقتصادی است. در واقع همواره باید برنامه‌های توسعه اولاً رو به واقعیت داشته باشند و ثانیاً نگاه ژرفی نظریه‌های اقتصادی داشته باشند.^۲ بسیاری از نظریه‌پردازان تلاش کرده‌اند تا ارتباطی قوی بین نظریه‌های توسعه اقتصادی و فرایند برنامه‌ریزی را به نمایش بگذارند. این دسته از متفکران معتقدند که نظریه‌های اقتصادی همچنین کمک خواهند کرد تا برنامه‌ریزی به عنوان یک عامل تغییر در جامعه عمل کند. در واقع جدایی عمل و نظریه در نهایت نتایج مؤثری برای جامعه به بار نخواهد آورد.^۳

برنامه‌ریزی توسعه در مالزی از سال ۱۹۵۰ با انتشار پیش‌نویس برنامه توسعه برای مالزی آغاز شد. پیش‌نویس برنامه توسعه برای مالزی، در سال ۱۹۵۰ و پیش از

۱. همان.

2. M.J. D'Angelo, Tracey, "Review of Economic Development Texts", In Economic Development Quarterly, 1997, Vol. 11, No.4, p. 368.

3. Knudsen, C, Daniel, "Response: What Works Best? Reflections on the Rule of Theory in Planning" In Economic Development Quarterly, 1997, Vol. 11, No.3, pp. 208-211.



استقلال این کشور توسط حکومت فدراسیون مالزی^۱ تهیه و به مجلس^۲ تقدیم شده است.^۳ ۲۳ سند برنامه‌ریزی توسعه که تاکنون آماده شده است، که عبارت‌اند از: دو سند برنامه چشم‌انداز ده‌ساله، ۱۱ برنامه پنج ساله توسعه (شامل پیش‌نویس برنامه توسعه برای مالزی^۴ که برای دوره شش‌ساله تهیه شد) و ۱۰ برنامه میان‌مدت بازبینی. همچنین اولین برنامه پنج ساله «توسعه ملت»، با نام اولین طرح مالزی^۵ ۱۹۶۰-۱۹۵۶ به تصویب رسید. اولین برنامه «توسعه ملت»، توسط دولت تدوین شد و توسط دپارتمان نخست‌وزیری به اجرا درآمد. بعد از تصویب این برنامه، واحد برنامه‌ریزی اقتصادی به عنوان مرجع اصلی برنامه‌ریزی در دپارتمان نخست‌وزیری تأسیس شد. شکل‌گیری واحد برنامه‌ریزی اقتصادی^۶ در دپارتمان نخست‌وزیری در سال ۱۹۶۱ به این امر منجر شد که برنامه‌ریزی توسعه توسط این نهاد انجام شود و بدین ترتیب برنامه‌ریزی بین‌سازمانی و همچنین سازوکار نظارت و کنترل از این طریق محقق شود.

1. Federation Government

2. Legislative Council

۳. توضیح اینکه فدراسیون مالایا (Federation of Malaya) در سال ۱۹۴۸ که تا پیش از این از مستعمرات انگلستان به‌شمار می‌رفت، به رسمیت شناخته شد و در ۳۱ آگوست ۱۹۵۷ به استقلال دست یافت. سنگاپور، ساراواک، بورنئوشمالی و فدراسیون مالایا در ۱۶ سپتامبر ۱۹۶۳ به مالزی پیوستند. در سال ۱۹۶۵ کشور سنگاپور به عنوان کشوری مستقل تشکیل شد. ر.ک:

Road to Independence. Federal Research Division, Library of Congress. Country Studies/Area Handbook Series. U.S. Department of the Army. Retrieved 9 December 2006.

4. Draft Development Plan of Malaya

5. First Malaya Plan

6. Economic Planning Unit (EPU)



۱. فلسفه برنامه‌ریزی توسعه در مالزی^۱

فلسفه برنامه‌ریزی و تدوین برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی در مالزی عبارت است از اینکه دولت جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی را معین می‌کند و دستیابی به اهداف اجتماعی - اقتصادی از این رهگذر را امکان‌پذیر می‌کند. از سوی دیگر، برای بخش خصوصی نیز حمایت از دیدگاه ساختاری و سیاست‌گذاری در نظر گرفته می‌شود تا آزادانه تجارت کند و این امر به شکوفایی اقتصادی منجر شود.

۲. مشارکت بخش خصوصی و دولتی در توسعه

اقدامات توسعه در مالزی بر سیاست حمایت از رشد تجارت مبتنی است. بخش خصوصی موتور رشد در نظر گرفته می‌شود در حالی‌که بخش دولتی توسعه را تسهیل و دستیابی به اهداف اقتصادی - اجتماعی ملت را تضمین می‌کند. دولت برنامه‌ریزی اقتصادی در قالب طرح‌های مختلف توسعه را برعهده گرفته است. همچنین، دولت سیاست‌های بازار - محور را برای تشویق سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی داخلی و خارجی اتخاذ کرده است. همکاری دولت و بخش خصوصی برای رسیدن به اهداف توسعه، حیاتی است.

مفهوم مالزی یکپارچه^۲ که در سال ۱۹۸۳ مطرح شد، چارچوبی برای همکاری

۱. مطالب این بخش، برگرفته از مقاله «برنامه‌ریزی توسعه در مالزی» با مشخصات زیر است:

“Development Planning in Malaysia”, Second Edition, by Economic Planning Unit, Prime Minister’s Department, 2004.

2. Malaysia Incorporated



نزدیک‌تر میان بخش دولتی و خصوصی فراهم کرد. این مفهوم، ملت را به مثابه هویتی واحد معرفی می‌کند. با طرح این مفهوم و ضرورت توجه به الزامات آن، مقامات دولتی ملزم شدند که بیش از گذشته خدمات‌رسانی کنند و هر سازمانی ملزم شد تا منشور ارباب رجوع^۱ داشته باشد تا به صورت شفاف میزان خدمت‌رسانی آن سازمان را به عموم نشان دهد؛ این امر به افزایش پاسخ‌گویی اداره‌ها به عموم منجر می‌شد. همچنین تشریفات غیرضروری مربوط به روند مقررات‌گذاری و بوروکراسی اداری با افزایش کارایی جایگزین شد.

۱-۲. افق‌های برنامه‌ریزی در مالزی

برنامه‌ریزی توسعه در مالزی شامل سه افق برنامه‌ریزی است که دربردارنده افق‌های برنامه‌ریزی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت است.

الف) برنامه‌ریزی بلندمدت

برنامه چشم‌انداز در واقع استراتژی‌های توسعه ملی در بلندمدت را معین می‌کند. این برنامه چارچوب‌های کلان و اهداف بلندمدت که جامعه باید به آنها دست یابد را مطرح می‌کند. برنامه‌های بلندمدت مالزی شامل موارد زیر است:

- چشم‌انداز^۲ ۲۰۲۰، ۲۰۲۰-۱۹۹۱،
- اولین برنامه چشم‌انداز^۳ ۱۹۹۰-۱۹۷۱،
- دومین برنامه چشم‌انداز، ۲۰۰۰-۱۹۹۱،

1. Clients’ Charter

2. Vision

3. First Outline Perspective Plan (OPP1)



- سومین برنامه چشم‌انداز، ۲۰۱۰-۲۰۰۱.

ب) برنامه‌ریزی میان‌مدت

برنامه میان‌مدت در بازه‌های زمانی پنج‌ساله تهیه می‌شود. برنامه پنج‌ساله در چارچوب برنامه چشم‌انداز تهیه می‌شود. این برنامه در واقع کلیدی‌ترین سند عملی برای اجرای برنامه‌های توسعه دولت است. برنامه پنج‌ساله توسعه اهداف کلان رشد مانند میزان و منابع توسعه بخش عمومی را معین می‌کند. به‌علاوه در این برنامه‌ها نقشی مهم و قابل توجه برای بخش خصوصی در نظر گرفته می‌شود. برنامه‌های میان‌مدت شامل موارد زیر است:

- برنامه پنج‌ساله توسعه^۱ (هشتمین برنامه مالزی) ۲۰۰۵-۲۰۰۱،

- بازبینی میان‌مدت برنامه‌های پنج‌ساله.^۲

لازم به توضیح است که بازبینی میان‌مدت برای برنامه پنج‌ساله توسعه، چنان‌که از نام آن پیداست، در میانه اجرای برنامه پنج‌ساله انجام می‌شود. این برنامه نه تنها یک بازبینی جامع برای تعیین این امر است که برنامه تا چه حد در مطابقت با اهداف معین شده و برنامه‌های توسعه انجام شده است، بلکه سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان و خرد را نیز ارزیابی کرده و در صورت نیاز تعدیل می‌کند.

ج) برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت

بودجه سالیانه برنامه کوتاه‌مدت تلقی می‌شود. این برنامه‌ریزی سالیانه توسط وزارت مالیه در ارتباط با تهیه بودجه سالیانه انجام می‌شود. علاوه بر توجه به نقطه نظرات

1. Five Year Development Plans
2. Mid Term Review (MTR) of the Five Year Plans



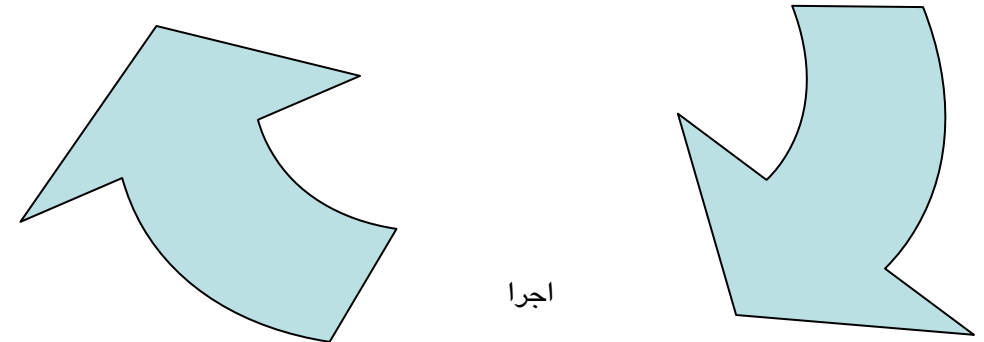
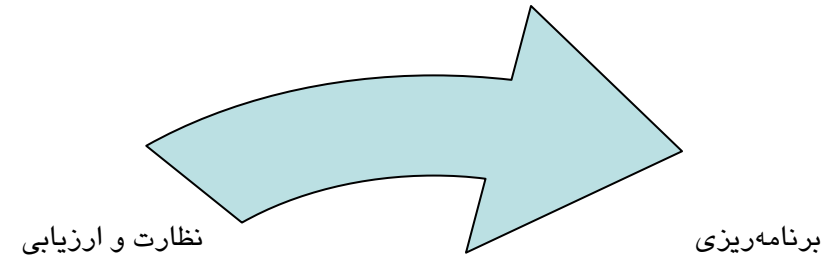
بخش خصوصی در بودجه‌ریزی، این وزارتخانه همچنین با دیگر اداره‌های مرکزی نیز مشورت می‌کند. واحد برنامه‌ریزی اقتصادی نقش اساسی در تعیین جزئیات بودجه توسعه سالیانه ایفا می‌کند. به این معنا که واحد برنامه‌ریزی اقتصادی که متولی اصلی تدوین برنامه‌های توسعه در مالزی است، در برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت اقتصادی سالیانه، جهت‌گیری اصلی برنامه‌های بلندمدت را اعمال می‌کند. در واقع در این وضعیت، بودجه‌های سالیانه مطابق با برنامه‌های بلندمدت (چشم‌انداز) طراحی و تدوین و همچنان جهت‌گیری اصلی حفظ می‌شود.

۲-۲. چرخه برنامه‌ریزی اقتصادی در مالزی

چرخه حیات برنامه‌های توسعه مالزی شامل برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی است. این چرخه شامل سه مرحله است. در مرحله اول، برنامه‌ها و چشم‌اندازها برای رسیدن به اهداف توسعه ملی تهیه می‌شوند و جهت‌گیری و دستورالعمل‌های لازم برای تحقق این اهداف معین می‌شود. مرحله دوم، مرحله اجرای برنامه‌هاست. مرحله سوم، نظارت گام اساسی و ضروری برای تضمین اجرایی شدن برنامه‌هاست. در واقع ضرورت نظارت از آنجا ناشی می‌شود که اطمینان حاصل شود برنامه‌ها در راستای تحقق اهداف از پیش تعیین شده اجرا شده‌اند.



نمودار ۱. چرخه برنامه‌ریزی اقتصادی مالزی



۳. سازوکار برنامه‌ریزی

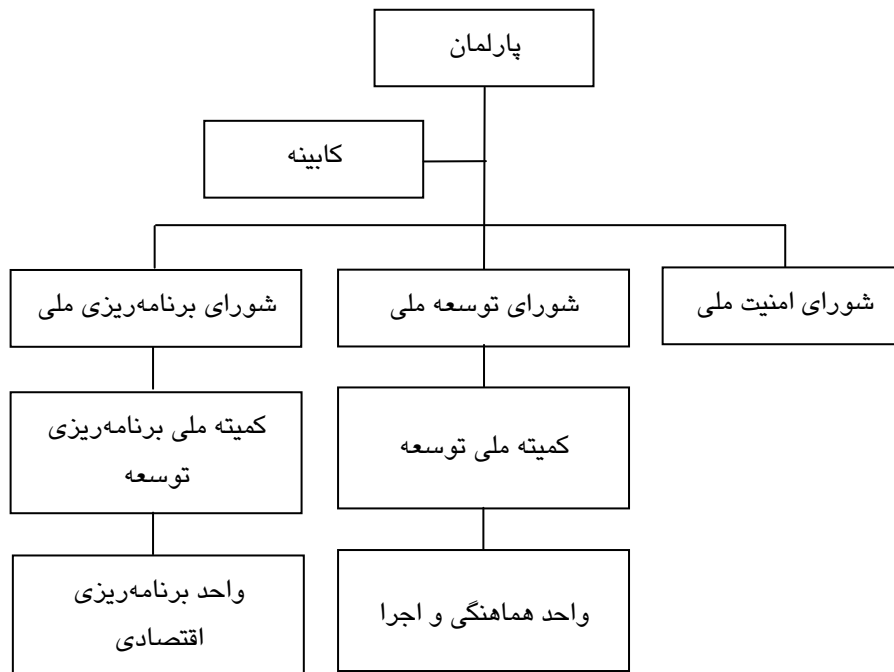
در مالزی بالاترین مقام مسئول برای تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌های عمومی دولتی در بخش اقتصادی و اجتماعی، «شورای برنامه‌ریزی ملی»^۱ (NPC) است که در واقع کمیته اقتصادی کابینه است و مشتمل بر وزیران اقتصادی کلیدی است. نمودار زیر، دستگاه‌های برنامه‌ریزی دولت فدرال را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد. در

1. National Planning Council (NPC)



کنار شورای برنامه‌ریزی ملی، دو شورای وزارتی وجود دارند که اولی «شورای اعمال ملی»^۱ است که امور مربوط به اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه را انجام می‌دهد و دومی «شورای امنیت ملی»^۲ است که جنبه‌های امنیتی برنامه را مدنظر قرار می‌دهد. ریاست هر سه شورا را نخست وزیر به عهده دارد.

نمودار ۲. سازوکار برنامه‌ریزی، هماهنگی و ارزیابی



1. National Action Council
2. National Security Council



در سطح رسمی، کمیته ملی برنامه‌ریزی توسعه^۱ (NDPC) بررسی دقیق و جزء به جزء برنامه را برعهده دارد؛ این کمیته مشتمل بر مقامات دولتی بلندپایه است و توسط بالاترین مقام اداری دولت^۲ مدیریت می‌شود. رؤسای همه وزارتخانه‌های توسعه اقتصادی و همچنین رئیس بانک مرکزی اعضای این کمیته هستند. کمیته ملی برنامه‌ریزی توسعه، مسئول برنامه‌ریزی و بازبینی تمام برنامه‌ها برای توسعه ملی است و همچنین توصیه‌هایی را درباره چگونگی تخصیص منابع ارائه می‌دهد. این کمیته همچنین بر اجرای برنامه‌های ملی توسعه نظارت می‌کند.

برنامه‌ریزی در سطح فدرال را اداره‌های مرکزی، یعنی واحد برنامه‌ریزی اقتصادی، واحد هماهنگی و اجرا^۳ و واحد برنامه‌ریزی مدرنیزاسیون و اداری مالزی^۴ تحت نظارت دپارتمان نخست‌وزیری، خزانه‌داری و بانک مرکزی و همچنین واحدهای برنامه‌ریزی اداره‌ها و وزارتخانه‌های مختلف انجام می‌دهد.

فرایند برنامه‌ریزی همچنین مشتمل بر مشاوره دائمی با بخش خصوصی و جامعه مدنی است. مشاوره، به‌صورت نهادینه شده، زمینه مناسب و مؤثری را برای ارتباط با دولت فراهم می‌کند. چنین مشاوره‌هایی که غالباً انجام می‌شوند، نه تنها به حل مشکلات و برطرف کردن تنگناها منجر می‌شوند، بلکه نشانگر بازتاب طیف گسترده‌ای از مسائل در جامعه هستند؛ از جمله بازتاب سیاست‌های دولت، بازار جهانی، سلامت اقتصاد داخلی و تأثیر سیاست‌ها و برنامه‌ها بر بخش‌های مختلف جامعه.

1. National Development Planning Committee (NDPC)
2. Chief Secretary to the Government
3. Implementation Coordination Unit (ICU)
4. Malaysian Administrative and Modernization Planning Unit (MAMPU)



در تهیه طرح چشم‌انداز،^۱ شورای ملی مشورتی اقتصادی^۲ برای فراهم کردن اطلاعات لازم برای سیاست‌گذاری تأسیس شده است. این شورا اعضای خود را از میان تمام بخش‌های جامعه - دولت، شرکت‌های صنعتی و نمایندگان، اقشار دانشگاهی، اتحادیه‌های تجاری، احزاب سیاسی، نهادهای مذهبی، نهادهای متشکل از جوانان، بخش‌های تخصصی، نهادهای غیردولتی و همچنین دیگر گروه‌های ذی‌نفع و اشخاص انتخاب می‌کند.

همچنین ساختار برنامه‌ریزی مشابه در سطح ایالتی و بخش‌ها وجود دارد. در سطح ایالتی، واحد ایالتی برنامه‌ریزی اقتصادی^۳ و اداره‌های ایالتی توسعه مسئول تهیه استراتژی‌های ایالتی توسعه و همکاری برای تهیه برنامه‌های توسعه ایالتی و پروژه‌ها هستند.

۳-۱. فرایند تدوین برنامه توسعه

تدوین برنامه توسعه در مالزی، فرایندی تعاملی بین واحد برنامه‌ریزی اقتصادی^۴ در یکسو و وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مرتبط در سوی دیگر است. این فرایندها که دو جهت کلان به خرد و بالعکس انجام می‌شود، تضمین‌کننده این امر است که سیاست‌ها و استراتژی‌های ملی صورت تحقق به خود گرفته و توسعه در سطح منطقه‌ای منطبق با توسعه ملی برنامه‌ریزی شده است.

در سطح فدرال، واحد برنامه‌ریزی اقتصادی طی مشاوره با دیگر اداره‌های

1. Outline Perspective Plan
2. National Economic Consultative Council
3. State Economic Planning Units
4. Economy Planning Unit (EPU)



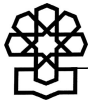
مرکزی مانند بانک مرکزی و خزانه‌داری، کارنامه پیشین عملکرد اقتصاد را بررسی می‌کند و همچنین پتانسیل‌ها و افق‌های پیش روی دولت را ارزیابی می‌کند. این واحد همچنین تنگناها و محدودیت‌های موجود را نیز در نظر می‌گیرد. واحد برنامه‌ریزی اقتصادی چارچوب‌های کلان اقتصادی را تهیه کرده و همچنین کارکردهای اهداف رشد بر هزینه‌های توسعه بخش دولتی را ارزیابی می‌کند. پارامترهای کلان‌نهایی برنامه‌ریزی، از خلال بحث‌های گروه‌های برنامه‌ریزی بین‌سازمانی^۱ و گروه‌های کاری تخصصی آنها معین می‌شود.

در آماده‌سازی برنامه هشتم مالزی (۲۰۰۵-۲۰۰۱)، ۲۵ گروه برنامه‌ریزی بین‌سازمانی با توجه به موضوعات مطروحه تشکیل شدند؛ این موضوعات شامل اقتصاد کلان، منابع انسانی، از بین بردن فقر، توسعه صنعتی، علم و تکنولوژی، حمل‌ونقل، توسعه اجتماعی و خدمات بود.

واحد برنامه‌ریزی اقتصادی، دبیرخانه این گروه‌ها بود و اعضای گروه‌ها نه تنها از وزارتخانه‌های مرتبط، بلکه در صورت لزوم شامل نمایندگان از بخش خصوصی و جامعه مدنی نیز بودند. در جریان این مشاوره‌ها، مواردی چون جریان‌های روز بین‌المللی، دسترسی به منابع و محدودیت‌ها و ظرفیت اجرایی بررسی شد.

برنامه‌ریزی از سطح پایین ضرورتاً شامل وزارتخانه‌های مرتبط، اداره‌ها، و فرمانداری ایالات بود تا نظریات خود را درباره برنامه‌های خاص و پروژه‌ها مطرح کنند. واحد برنامه‌ریزی اقتصادی نقش کلیدی را در هماهنگی پروژه‌های سطح خرد با طرح‌های سطح کلان برای هر یک از بخش‌ها بازی می‌کند. در اولویت‌بندی پروژه‌ها،

1. Inter-agency Planning Groups (IAPGs)



واحد برنامه‌ریزی اقتصادی، عوامل متعددی را مد نظر قرار می‌دهد که شامل سازگاری با موضوعاتی چون سیاست ملی، ضرورت پروژه‌ها، اعتبارات مالی و ظرفیت اجرایی است.

بعد از موافقت توسط گروه‌ها، روند توسعه، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های مرتبط برای دوره مورد نظر پنج‌ساله، مانند اولویت‌های هر یک از بخش‌ها، برای بررسی به کمیته ملی برنامه‌ریزی توسعه ارائه می‌شود. بر مبنای توصیه‌های این کمیته، طرح‌های پیشنهادی و مقدماتی توسعه به شورای ملی برنامه‌ریزی فرستاده می‌شود. سپس پیش از ارائه به پارلمان برای تصویب به کابینه فرستاده می‌شود.

۲-۳. بخش‌نامه‌ها^۱ و درخواست تخصیص منابع^۲

در شروع و بازبینی هر طرح، بخش‌نامه‌هایی به اداره‌ها، دپارتمان‌ها، مسئولان مربوطه، فرمانداری‌های ایالات و شرکت‌های دولتی غیرانتفاعی فرستاده می‌شود. اساساً این بخش‌نامه‌ها دو هدف را دنبال می‌کنند؛ اول آگاهی دستگاه دولتی از تهیه طرح پنج‌ساله توسعه که شامل استراتژی‌های آینده توسعه است و دوم دریافت کمک برای اختصاص منابع برای توسعه در پنج سال آینده به منظور اجرای استراتژی‌های معین شده.

بخش‌نامه، دستورالعمل‌های کلی مربوط به فرایندهای آماده‌سازی طرح، زمان اجرا، زمان‌بندی و مقیاس‌های برنامه‌ها و پروژه‌های پیشنهاد شده را ارائه می‌دهد. سپس از وزارتخانه‌های مختلف، اداره‌ها و فرمانداری‌های ایالات خواسته می‌شود تا

1. Call Circular
2. Bid for Funds



استراتژی‌های توسعه خود را بازبینی کرده و برنامه‌ها و پروژه‌های خود و همچنین منابع لازم را برای اجرای پروژه‌های نیمه‌تمام و همچنین پروژه‌های جدید در طول دوره برنامه، تهیه کنند. معمولاً، مدت زمانی شش‌ماهه برای این کار در نظر گرفته می‌شود.

۳-۳. فرایند تصویب پروژه^۱

بعد از دریافت پیشنهادها، واحد برنامه‌ریزی اقتصادی، پروژه‌های توسعه برای برنامه‌های مختلف توسعه پنج‌ساله را براساس طرح پیشنهادی وزارتخانه‌ها و اداره‌ها، ارزیابی و اولویت‌بندی می‌کند. این واحد با وزارتخانه‌ها، اداره‌ها و فرمانداری‌های ایالات برای بازبینی عملکرد قبلی و شناسایی مسائل، مشکلات یا حوزه‌هایی که باید مورد توجه قرار بگیرند مشاوره می‌کند. در واقع واحد برنامه‌ریزی اقتصادی، اهداف، مفاهیم و برنامه‌های پیشنهادی را ارزیابی می‌کند و موضوعات، محدوده و هزینه‌های هر یک از این برنامه‌ها را به‌طور کلی معین می‌کند. برای مثال، محدوده دانشگاه‌های جدید بستگی به میزان جمعیت (گروه سنی مورد نظر)، استراتژی آموزش و پرورش، نوع دروس و فعالیت‌ها و استفاده از استانداردهای پذیرفته شده خواهد داشت.

۳-۴. اولویت‌بندی پروژه‌ها

همواره تعداد و وسعت طرح‌های پیشنهادی از منابع در دسترس پیشی می‌گیرد.



از این رو، واحد برنامه‌ریزی اقتصادی به ناچار به هماهنگی و اولویت‌بندی ملزومات با توجه به جریان مالیه عمومی و اهداف توسعه اقدام می‌کند. دولت باید موضوعات دیگر همانند توزیع منصفانه بین بخش‌ها، از جمله توزیع منطقه‌ای و ایالتی، را پیش از ارائه فهرست اصلی برنامه‌ها و پروژه‌ها در نظر بگیرد. بودجه توسعه (همراه با برنامه‌ها و پروژه‌ها) با سیاست‌ها و استراتژی‌هایی که در برنامه‌های پنج‌ساله جای می‌گیرند جمع می‌شود. وزارتخانه‌ها و اداره‌ها، اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها را نظارت و بازبینی خواهند کرد.

برخی از مقیاس‌های گسترده که در هنگام اولویت‌بندی پروژه‌ها مدنظر قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: افزایش رشد، سوددهی پروژه‌ها، تعهدات و نیازهای اجتماعی، زدودن فقر و توسعه متوازن منطقه‌ای. لازم به توضیح است که در مالزی پروژه‌های بنیادی به‌طور گسترده‌ای توسط طرح‌های جامع که به تعیین اولویت‌بندی پروژه‌ها کمک می‌کنند جهت‌دهی می‌شوند. به‌علاوه، پروژه‌های مربوط به مناطق شهری که پتانسیل زیادی برای خصوصی‌سازی دارند در اولویت پایین‌تر نسبت به پروژه‌هایی که شانس کمتری برای خصوصی‌سازی دارند قرار می‌گیرند. پروژه‌ها در ایالت‌ها و مناطق کمتر توسعه‌یافته نسبت به مناطق و ایالت‌های بیشتر توسعه‌یافته برتری داده می‌شوند. همچنین پروژه‌های در حال انجام نیز نسبت به پروژه‌های جدید اولویت داده می‌شوند.

برای کمک به تعیین اولویت منطقه‌ای، پروژه‌هایی که توسط شاخه ایالتی وزارتخانه‌های فدرال پیشنهاد می‌شوند باید در ابتدا برای تعیین نیازها و ملزومات پروژه‌های توسعه قبل از ارائه به مقامات فدرال توسط واحدهای برنامه‌ریزی



اقتصادی ایالتی^۱ بررسی شوند. تمام پروژه‌ها توسط فرمانداری‌ها یا اداره‌های ایالات به واحدهای برنامه‌ریزی اقتصادی ایالتی ارجاع می‌شوند که وظیفه ارزیابی، بررسی و ارائه پیشنهاد را برعهده دارند. واحدهای برنامه‌ریزی اقتصادی ایالتی ملزم شده‌اند که تمام پروژه‌های درخواست شده توسط اداره‌های ایالتی را پیش از ارائه این درخواست‌ها به واحد برنامه‌ریزی اقتصادی، یکپارچه و هماهنگ سازند.

مسئولان بخش منطقه‌ای^۲ در واحد برنامه‌ریزی اقتصادی، بودجه ابتدایی تا سقفی که برای بخش تحت مدیریت آنها لازم است دریافت می‌کنند. آنها پروژه‌ها و رتبه آنها را با توجه به اولویت‌هایشان بررسی می‌کنند. این پروژه‌ها سپس در کمیته‌های بررسی پروژه‌های توسعه^۳ بررسی می‌شوند؛ ریاست این کمیته‌ها برعهده واحد برنامه‌ریزی اقتصادی و اعضای آن مشتمل بر وزارتخانه‌ها و اداره‌هایی که پروژه‌ها را ارائه کرده‌اند، وزارت مالیه و دیگر اداره‌ها مرتبط است. کمیته‌های بررسی پروژه‌های توسعه فهرست پروژه‌ها را ارزیابی خواهد کرد و وزارتخانه‌ها و اداره‌های مربوطه می‌توانند دلایل توجیهی خود برای ارائه هر پروژه بیان کنند. فهرست پروژه برای هر بخش بر مبنای پروژه‌های انتخاب شده در محدوده سقف بودجه آن بخش تهیه می‌شود.

فهرست‌های پروژه انتخاب‌شده از میان پیشنهادها سپس در بخش منطقه‌ای یکپارچه شده و بررسی می‌شوند. در این مرحله، بعضاً توزیع مجدد منابع در بودجه توسعه بین بخش‌ها بر مبنای اولویت و کیفیت پروژه‌های پیشنهاد شده انجام می‌شود.

1. State Economic Planning Units (SEPU)
2. Sectoral Division
3. Development Projects Examination Committees (DPEC)



به‌رغم اینکه منابع با توجه به خط‌مشی‌های منطقه‌ای تخصیص داده شده‌اند، همچنان فهرستی از پروژه‌ها بر مبنای تخصیص منابع توسط ایالت تهیه می‌شود. این امر به نظارت بر تخصیص منابع کمک می‌کند؛ این نظارت برای تضمین این امر انجام می‌شود که در انتخاب پروژه‌ها، توجه کافی به ایالت‌ها و مناطق کمتر توسعه‌یافته مبذول داشته شده است و همچنین هدف تقویت رشد متوازن منطقه‌ای محقق شده است. فهرست یکپارچه پروژه به همراه پیش‌نویس طرح مالزی^۱ به کابینه برای بررسی و تأیید ارائه می‌شود. بعد از این مرحله کابینه برنامه توسعه را به پارلمان ارجاع می‌دهد و برنامه توسعه در پارلمان (مجلس نمایندگان) به تصویب می‌رسد. چنان‌که در قانون اساسی مالزی مقرر شده است قوه مقننه در مالزی متشکل از پادشاه و دو مجلس عوام و سناست. از این‌رو بعد از تصویب قانون برنامه توسعه توسط مجلس نمایندگان این قانون باید به تأیید پادشاه برسد و سپس اجرایی شود.

۴. اجرای پروژه‌ها و نظارت بر آنها

تنظیم مراحل اجرای برنامه‌های توسعه در سطح بین ایالتی و بین دیپارتمانی به‌وسیله واحد هماهنگی و اجرا^۲ انجام می‌شود. نظارت بر اجرای پروژه‌ها توسط واحد هماهنگی و اجرا، اطلاعات مفیدی را درباره ظرفیت اجرایی ساختار دولتی و همچنین ظرفیت جذب اقتصاد فراهم می‌کند. این مطالعات به دولت کمک می‌کند تا به‌خصوص در تلاش برای رسیدن به اهداف اقتصادی - اجتماعی به میزان کارایی استراتژی‌ها و

1. Malaysia Plan
2. Implementation and Coordination Unit



برنامه‌های اجرا شده پی ببرد و بدین ترتیب زمینه بهره‌مندی از دیدگاه‌های مؤثرتر در برنامه‌های آتی توسط دولت را امکان‌پذیر می‌سازد. بازتاب عملکرد دیارتمان‌ها و وزارتخانه‌هایی که مسئولیت اجرای برنامه‌ها را به‌عهده دارند، توسط واحد برنامه‌ریزی اقتصادی برای تدوین برنامه‌های بعدی و برای بهره‌مندی از استراتژی‌ها و رویکردهای مناسب‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پروژه دولت الکترونیک برای بهبود خدمات عمومی از طریق بهره‌مندی از فناوری اطلاعات بنا شده است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای پروژه دولت الکترونیک، سیستم نظارت بر پروژه^۱ است که تکنولوژی جدید فناوری اطلاعات برای نظارت بر اجرای پروژه‌های توسعه مربوط به طرح‌های پنج‌ساله استفاده می‌شود. این سیستم ارتباطاتی اینترنتی با تمام وزارتخانه‌ها و فرمانداری‌های ایالات و اداره‌ها دارد و بدین ترتیب اطلاعات به روز شده درباره پروژه‌ها در اختیار این سیستم قرار می‌گیرد. سیستم کنترل پروژه توسط نخست وزیر در سال ۲۰۰۱ افتتاح شد و هم‌اکنون در وزارتخانه‌ها و اداره‌ها استفاده می‌شود.

۱-۴. انعطاف‌پذیری برنامه‌ها

با اینکه به‌نظر می‌رسد سازوکار و فرایندهای برنامه‌ریزی نشان از انعطاف‌ناپذیری سیستم دارند، اما در واقع این فرایند بسیار کاربردی و انعطاف‌پذیر است. این امر به این دلیل است که برنامه‌ریزی در تمامی افق‌های برنامه‌ریزی یعنی بلندمدت، کوتاه‌مدت و میان‌مدت انجام می‌گیرد و این امکان را فراهم می‌کند تا تجدیدنظر و



همچنین استفاده از اطلاعات جدید برای حل مشکلات و فرصت‌هایی که در طول اجرای برنامه ایجاد می‌شوند صورت پذیرد. این امر برنامه‌ریزی توسعه را یاری می‌کند تا در برابر چالش‌های بعدی که در جریان اجرای برنامه ایجاد می‌شوند همچنان پاسخ‌گو بماند.

واحد برنامه‌ریزی اقتصادی، به‌طور پیوسته وضعیت اقتصادی را در ارتباط با خزانه، بانک مرکزی و دیگر وزارتخانه‌های اقتصادی و همچنین در ارتباط با نهادهای چندجانبه ارزیابی می‌کند. خلأ ناشی از اختلاف بین اهداف برنامه‌ریزی شده و نتایج حاصل شده از اجرای برنامه همچنین مشکلات بالقوه‌ای را که از متغیرهای کنترل شده حاصل می‌شود (همچون کسر بودجه جاری، کسری بودجه بخش دولتی یا تورم)، واحد برنامه‌ریزی اقتصادی مدنظر قرار می‌دهد. سیاست‌های اتخاذ شده در قبال این مسائل در بودجه سالیانه و همچنین از خلال بازبینی میان‌مدت یا زمانی که برنامه جدید تهیه می‌شود فرصت بروز می‌یابند. ارائه راه‌حل برای حل معضلات پدید آمده، باید برای شورای ملی برنامه‌ریزی و توسعه و یا به کابینه در کوتاه‌ترین زمان ممکن آماده شوند.

۲-۴. برنامه‌ریزی در زمان بحران

در انجام برنامه‌ریزی توسعه، باید برنامه‌ریزان عمل‌گرا، منعطف، فعال و مسئول باشند؛ باید آماده باشند تا ملزومات ناشی از تغییرات حاصل شده و شرایط را در برنامه اعمال کنند. این امر به‌صورت واقعی در زمان بحران اقتصادی به‌بوته آزمایش گذاشته می‌شود (همانند بحران اقتصادی آسیا در سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۷). بحران



اقتصادی آسیا تأثیرات گسترده‌ای بر تمام بخش‌های جامعه داشت. این امر در کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان بروز یافت که در نهایت منجر به کاهش شدید سرمایه‌گذاری خصوصی و کاهش شدید مصرف بود. این بحران تا حدی، تلاش‌ها برای توسعه شرایط اقتصادی - اجتماعی و زندگی بهتر مردم را متوقف کرد و باعث افزایش نرخ فقر شد.

در مواجهه با بحران سال ۱۹۹۷، دولت متوجه این نکته شد که باید سریعاً از رکود اقتصادی شدیدتر جلوگیری کند. شورای اقدامات اقتصادی ملی^۱، به ریاست نخست‌وزیر، به‌عنوان نهاد مشورتی برای مقابله با بحران اقتصادی تشکیل شد و توسط این شورا طرح نجات اقتصاد ملی^۲ به‌عنوان پیش‌نویسی برای نجات اقتصاد از بحران تهیه شد. این طرح شامل ۵۸۰ دستورالعمل برای تثبیت پول رسمی، کسب اعتماد بازار، حفظ ثبات اقتصادی بازار و همچنین مسائل میان‌مدت همچون اصلاح بنیادهای اقتصادی چون عدالت و اهداف سیاسی اقتصادی بود.

۳-۴. تعدیل سیاست‌های توسعه

سیاست‌های توسعه در مالزی از زمان استقلال در طول زمان تحول یافته است تا با اقتضائات و شرایط ملی سازگار باشد. بین سال‌های ۱۹۵۷ (استقلال مالزی) و سال ۱۹۷۰، سیاست توسعه به‌صورت عمده برای کمک به توسعه رشد از خلال تمرکز گسترده بر بازار صادرات، انجام شد. تمرکز بر سیاست بازار آزاد و توسعه اقتصادی بود. با اینکه اقتصاد در این دوره بسیار سریع رشد کرد و نرخ رشد

1. National Economic Action Council
2. National Economic Recovery Plan



متوسط سالیانه ۶ درصد بود، اما به‌نظر می‌رسید که جنبه‌های عدالت توزیعی مغفول واقع شده است که نتیجه آن عدم توازن اقتصادی و اجتماعی در بین گروه‌های نژادی مختلف با نتایج منفی اجتماعی بود که به‌صورت اختلافات نژادی سال ۱۹۶۱ نمایان شد.

شروع سیاست‌های جدید اقتصادی^۱ در سال ۱۹۷۱ مهم‌ترین تغییر سیاست در تاریخ مالزی بوده است. این سیاست‌ها بر اهمیت رسیدن به اهداف اقتصادی - اجتماعی در کنار دنبال کردن اهداف رشد اقتصادی مبتنی بود و روشی برای ایجاد هماهنگی و اتحاد در ملتی بود که در بردارنده گروه‌های مذهبی و نژادی متعدد بود. این سیاست‌ها به‌صورت غیرمستقیم در اصل ۱۵۳ قانون اساسی مالزی اشاره شده است.^۲ هدف برجسته این اصل در واقع اتحاد ملی بود و برای رسیدن به این هدف، دو استراتژی عمده به‌کار گرفته شد:

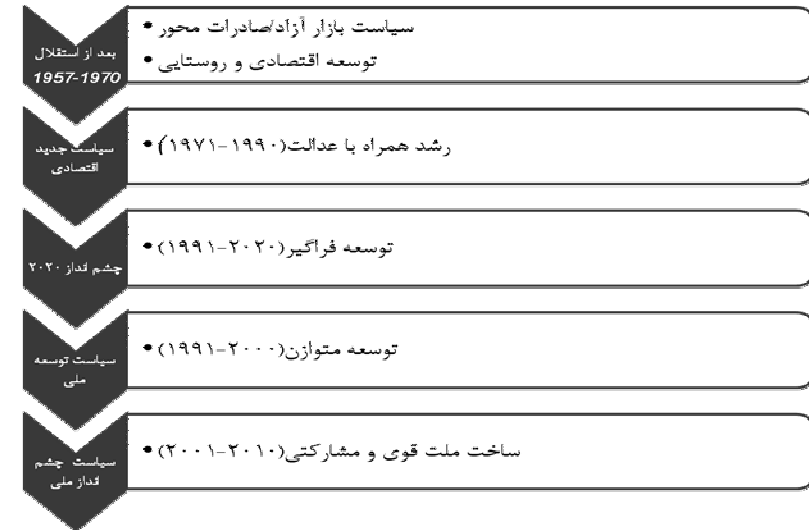
- کاهش فقر فارغ از مسائل نژادی از طریق بالا بردن سطح درآمدها و افزایش فرصت‌های اشتغال برای ملت مالزی،
- بازسازی جامعه برای تصحیح عدم توازن اقتصادی از طریق کاهش و حذف تدریجی تبعیضات نژادی و اقتصادی.

1. New Economic Policy

۲. این اصل آخرین بار در سال ۱۹۷۲ بازبینی شد.

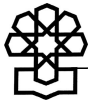


نمودار ۳. سیاست‌های کلان اقتصادی



رشد سریع اقتصادی، به افزایش این تبعیضات منجر شد. از این رو ضروری به نظر می‌رسید تا فرصت‌های اقتصادی برای مردم فقیر و دیگر گروه‌های محروم افزایش یابد تا بدین ترتیب آنها را قادر سازد که از فقر نجات یابند و در جریان اقتصادی روز مشارکت جویند. به علاوه، این امر را تضمین می‌کرد که توزیع از طریق تخصیص دوباره ثروت موجود انجام نمی‌شود، بلکه از افزایش و منابع جدید ثروت انجام نمی‌شود.

در سال ۱۹۷۰، بیش از دوسوم شرکت‌ها در مالزی متعلق به خارجیان بود در حالی که بومی‌پتراس^۱ مردم بومی منطقه که دوسوم کل جمعیت مالزی را تشکیل



می‌دادند فقط کمی بیشتر از ۲ درصد را در اختیار داشتند. سیاست‌های جدید مبتنی بر یک اقدام اصلاحی بود که طی آن در سال ۱۹۹۰ دارایی‌های مردم بومی (بومیپتراس) در جریان اقتصاد در حال پیشرفت به ۳۰ درصد، بقیه شهروندان مالزیایی به ۴۰ درصد و خارجیان به ۳۰ درصد برسد. در سال ۲۰۰۲، به دلیل اینکه ارزش کل شرکت‌ها ۷۵ برابر شده بود، دارایی تمام گروه‌ها افزایش یافت. هرچند سهم مالکیت خارجیان تقریباً سه برابر کاهش یافت، اما ارزش آن ۳۰ برابر نسبت به سال ۱۹۷۰ افزایش پیدا کرد.

موفقیت در اجرای سیاست‌های جدید اقتصادی و طرح‌های توسعه پنج‌ساله مالزی باعث شد تا وجهه جدیدی از ملت‌سازی که هم جدید و هم چالش‌برانگیز بود اتفاق بیفتد. افق ۲۰۲۰ که در سال ۱۹۹۱ آغاز شده است، پیش‌بینی از افق ۳۰ ساله مالزی است. این چشم‌انداز مبنای برنامه‌ریزی مالزی از سال ۱۹۹۰ شده است. چشم‌انداز ۲۰۲۰، دورنمایی از چگونگی دستیابی به رشد متوازن اقتصادی می‌دهد. این امر نشان از تعهد دولت نسبت به توسعه بشری و بالا بردن کیفیت زندگی مردم دارد.

سیاست توسعه ملی^۱ که در سال ۱۹۹۱ ارائه شد، نه تنها ادامه‌دهنده سیاست جدید ملی به‌عنوان سیاست توسعه مالزی بود، بلکه گامی برای اولین دهه اجرای چشم‌انداز ۲۰۲۰ بود. سیاست توسعه ملی با حفظ عناصر اساسی سیاست ملی اقتصادی، مجدداً بر آنها تأکید کرد و به‌صورت هم‌زمان در رویارویی با چالش‌های جدید، سیاست‌های جدید متعددی برای ایجاد توازن در توسعه ارائه کرد. این



سیاست‌های جدید، همراه با سیاست‌های از قبل موجود، تلاش کردند تا بر نگرانی رو به رشد ملت مالزی مبتنی بر افزایش نگرانی‌های مربوط به مسائل غیراقتصادی در توسعه ملی در کنار سایر مسائل توجه کنند و به تقویت ارزش‌های معنوی و اجتماعی توجه کنند.

سیاست‌های جدید مشتمل بر موارد زیر بود: تمرکز سیاست‌های ضد فقر بر سیاست‌های مبتنی بر زدودن فقر مطلق در کنار کاستن فقر نسبی، تأکید بر ایجاد اشتغال، توسعه سریع جامعه صنعتی و تجاری مردم بومی منطقه به‌عنوان استراتژی مؤثرتر برای افزایش مشارکت معنادارتر مردم بومی در بخش‌های مدرن اقتصاد، اعتماد بیشتر بر مشارکت بخش خصوصی در هدف بازسازی با ایجاد فرصت‌های بیشتر برای رشد آنها و تأکید بر توسعه منابع انسانی به‌مثابه مؤلفه اساسی برای رسیدن به اهداف رشد و توزیع.

در سال ۲۰۰۱، سومین طرح چشم‌انداز^۱ با تأکید بر ساخت ملتی قوی و علاقه‌مند به مشارکت و همچنین تحقق بخشیدن به سیاست چشم‌انداز ملی^۲ افتتاح شد. در حالی‌که سیاست چشم‌انداز ملی با استراتژی‌های کلیدی سیاست ملی اقتصادی یعنی زدودن فقر فارغ از نژاد و بازسازی جامعه همراه بود و توسعه متوازن سیاست‌های توسعه، همچنین استراتژی‌های جدید را معرفی می‌کرد.

سیاست‌های جدید، مالزی در حال توسعه را به جامعه مبتنی بر دانش رهنمون می‌کرد. ایجاد رشد بومی از طریق تقویت سرمایه‌گذاری داخلی و توسعه ظرفیت بومی، در حالی‌که هم‌زمان به جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در حوزه‌های

1. Third Outline Perspective Plan (OPP3)
2. National Vision Policy



استراتژیک تأکید می‌ورزید، افزایش پویایی بخش‌های خدماتی، تولیدی و کشاورزی از خلال تزریق بیشتر دانش؛ توجه به فقر در مناطق دورتر و بین اقلیت بومیپتراس در صباح^۱ و ساراواک^۲ با افزایش درآمد و کیفیت زندگی افراد کم‌درآمد؛ دستیابی به مشارکت مؤثرتر مردم بومی بومیپتراس در اقتصاد و تغییر جهت‌دهی به توسعه منابع انسانی در جهت حمایت از جامعه دانش‌محور.

۵. جایگاه برنامه توسعه در قانون اساسی مالزی

نظام حقوقی مالزی مبتنی بر نظام حقوق عرفی است. در عین حال قانون اساسی فدرال مالزی حکومت سلطنت مشروطه را برای مالزی به رسمیت شناخته است. هم‌اکنون، یانگ دیپرتان آگونگ^۳ ریاست کشور را برعهده دارد. نظام تقنین در مالزی به‌صورت دو مجلسی است و شامل سنا و مجلس نمایندگان و پادشاه است.

درباره جایگاه برنامه توسعه در قانون اساسی فدرال می‌توان گفت در اصل ۹۲ قانون اساسی به بحث برنامه توسعه^۴ پرداخته شده است. اصل ۹۲ با عنوان توسعه ملی، شامل هشت بخش فرعی است. طبق بخش اول، بعد از توصیه کمیته تخصصی و بعد از مشورت با شورای مالی ملی^۵، شورای سرزمین ملی^۶ و فرمانداری ایالت مربوطه، پادشاه مالزی در صورت موافقت با این امر که برنامه توسعه در راستای

1. Sabah
2. Sarawak
3. Yang di-Pertuan Agong
4. Development Plan
5. National Finance Council
6. National Land Council



اهداف منفعت ملی است و باید در یک منطقه یا مناطق مختلف به اجرا گذاشته شود، بعد از انتشار برنامه، منطقه یا مناطق مدنظر را به عنوان مناطق توسعه خواهد نامید؛ همچنین پارلمان باید اختیارات کافی برای اجرایی کردن برنامه‌ها یا بخشی از برنامه‌ها را داشته باشد، به رغم اینکه ممکن است بخشی از این موضوعات جزء اختیارات ایالت‌ها باشد.

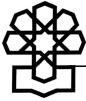
طبق بخش سوم در این اصل، منظور از برنامه توسعه، برنامه‌ای است که برای توسعه، ترقی یا حفظ منابع طبیعی در مناطق توسعه، و چگونگی استفاده از چنین منابعی یا افزایش اهداف اشتغال در آن مناطق طراحی شده است.

همچنین در بخش هفتم از این اصل به پارلمان اجازه داده شده است تا هر قانونی را که در راستای این اصل وضع شده است را اصلاح یا لغو کند و قوانین دیگری را در صورت لزوم به تصویب برساند.

همچنین اصل ۱۵۳ قانون اساسی مالزی که در سال ۱۹۶۹ اصلاح شد، به صورت غیرمستقیم به سیاست اقتصادی ملی اشاره می‌کند که در واقع شورش سال ۱۹۶۹ مردم بومی در اعتراض به بی‌عدالتی در توزیع منابع، دلیل اصلی این اصلاح بوده است. البته سیاست اقتصادی ملی در سال ۱۹۹۱ به علت ناکارآمدی جای خود را به سیاست توسعه ملی داد.

همچنین بخش سوم اصل ۹۵ قانون اساسی مالزی مقرر می‌دارد که مطابق با اصل ۹۲، هیچ منطقه‌ای در هیچ ایالتی نباید بدون موافقت یانگ دی پرتوا نگری^۱ (پادشاه ایالت) به عنوان منطقه‌ای که برنامه توسعه در آن اجرا خواهد شد اعلام شود.

1. Yang di-Pertua Negeri



نتیجه‌گیری: الگوی مطلوب تدوین برنامه توسعه

راز موفقیت مالزی در رسیدن به رشد پایدار و توسعه سریع می‌تواند در این امر خلاصه شود که بنیادها به درستی طراحی شده‌اند؛ این امر شامل طراحی درست سیاست‌های توسعه، اداره اقتصادی خوب، افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی و توسعه منابع انسانی مانند فراهم کردن زیرساخت‌های صنعتی مناسب است. موفقیت به معنای نتیجه‌بخش بودن یک سیاست خاص نیست، بلکه به معنای به‌کار بستن سیاست‌های مختلف در زمان‌های مختلف است. دولت آشکارا در تنظیم ساختاری، نقش بنیادی را ایفا کرده است؛ به ویژه در ترغیب به پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و سیاست‌های مالی. همچنین نقش مؤثر برنامه‌ریزان توسعه در موفقیت مالزی غیرقابل انکار است. ماهیت مشاوره‌ای فرایند برنامه‌ریزی مالزی به این معناست که در برنامه‌ریزی، منافع تمام ذی‌نفعان مدنظر قرار می‌گیرد. بدین ترتیب تمام ذی‌نفعان با مشارکت در روند برنامه‌ریزی احساس تعلق و مالکیت نسبت به این برنامه پیدا می‌کنند و این امر در موفقیت برنامه‌ریزی توسعه و اجرای آن حیاتی است.

در نتیجه، آنچه که در ذیل می‌آید درس‌های مهمی است که می‌توان از تجربه مالزی آموخت:

۱. دولت نقش اساسی در تعیین جهت‌گیری آینده ملت دارد، اما در عین حال نباید در فعالیت‌هایی که باعث نادیده گرفتن بخش خصوصی می‌شود مشارکت کند. به جای آن، دولت باید بر تثبیت و تهیه چارچوب سیاست‌های اقتصادی کلان، تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های درآمدزا تأکید کند، ساختارهای اجتماعی و فیزیکی مؤثر را فراهم آورد، ارتباطات بازاریابی بین‌المللی در سطح عالی را برای بالابردن



رشد صادرات، توسعه بخشد و برنامه‌های رفاه اجتماعی را برای گروه‌های محروم جامعه فراهم کند.

۲. رشد باید با عدالت همراه باشد تا توسعه معنادار باشد و مهم‌تر از آن، این امر پیش‌نیاز ثبات سیاسی و اجتماعی است.

۳. زدودن فقر از طریق فراهم کردن فرصت‌های کسب درآمد با همکاری بخش خصوصی امکان‌پذیر می‌شود.

۴. مشارکت کاربردی، منعطف و محتاط دولت حیاتی است. تنظیم سیاست‌ها باید به سرعت انجام گیرد؛ به خصوص در زمانی که جریان بازار نشانگر این امر است که سیاست‌های موجود پاسخگو نیستند.

۵. بهبود فضای کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و نوآوری‌ها به‌منظور توسعه و پیشرفت کشور ضرورت دارد.

در پایان ذکر این نکته لازم به‌نظر می‌رسد که چنان‌که گفته شد، این متن برگرفته از دستورالعمل نحوه تصویب و تدوین و اجرای برنامه توسعه در مالزی است. این دستورالعمل، نشان از اجرای الگوی مطلوب تدوین و اجرای برنامه‌های مختلف توسعه در کشور مالزی دارد. هدف از انجام این‌گونه مطالعات تطبیقی، درس‌آموزی از نکات مثبت و قابل استفاده کشورهای مورد مطالعه است و چنان‌که گفتیم، مدل برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی در مالزی (که البته در طول سالیان و بنا به مقتضیات زمان، مورد اصلاح و تجدیدنظر قرار گرفته است) با تأکید بر مشارکت جدی بخش خصوصی و سایر نهادهای تأثیرگذار، تصویری از یک مدل موفق به نمایش گذاشته است. از این‌رو با تأکید بر این نکته که با توجه به تفاوت فرهنگی و اقتصادی و ... نمی‌توان عیناً از



مدل‌های موفق در جوامع دیگری الگوبرداری نمود، اما می‌توان در تدوین نظام کارآمدتر از آنها بهره برد.

منابع و مأخذ

۱. عظیمی، حسین. مسیر تهیه برنامه چهارم توسعه، مسیر تهیه برنامه چهارم توسعه، در وبسایت دکتر عظیمی آرانی، ۱۳۸۴، تاریخ مشاهده: ۱۳۸۷/۱۱/۱۷، قابل دسترسی در آدرس زیر:

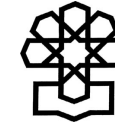
<http://www.drazimiarani.com/?page=4000&Ln=fa&id=6>

۲. مقیمی اسفند آبادی، حسن. بررسی تطبیقی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های تعدیل اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، به‌راهنمایی دکتر حسین عظیمی، ۱۳۷۲.

3. D'Angelo, M.J.Tracey, "Review of Economic Development Texts", In Economic Development Quarterly, 1997, Vol. 11, No.4.

4. "Development Planning in Malaysia", Second Edition, by Economic Planning Unit, Prime Minister's Department, 2004.

5. Knudsen, C, Daniel, "Response: What Works Best? Reflections on the Rule of Theory in Planning", In Economic Development Quarterly, 1997, Vol. 11, No.3.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۶۷۲

عنوان گزارش: درباره قانون برنامه توسعه ۲. مالزی

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه حقوق عمومی و بین‌الملل)

تهیه و تدوین: مهسا شعبانی

همکار: احمد مرکز مالیری

ناظر علمی: محمدحسین زارعی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها:

۱. برنامه توسعه (Development Plan)

۲. برنامه‌ریزی اقتصادی (Economic Planning)

۳. مالزی (Malaya)

۴. برنامه چشم‌انداز (Perspective Plan)

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۲/۲۸